

## کوشی در نگرش تاریخی به روند میزانهای موالید و مرگ و شناخت مراحل انتقال جمعیتی در ایران

دکتر مهدی امانی

بازسازی گذشته‌نگر تحولات و میزانهای جمعیتی، ولو برای مدتهای بالنسبه کوتاه و یا برای پارامترهای محدود و ناخالص، به شناخت روند کلی و تاریخی جمعیتی برای زمانهای طویل‌تر مدد می‌رساند. کوش در برآورد شمار و میزان موالید و مرگ و در نتیجه آهنگ رشد جمعیت ایران از این زمره است. بخصوص که مراحل انتقال جمعیتی نیز از این رهگذر شناخته و روشن می‌شود.

این مطالعه که طول زمانی بیش از یک قرن (۱۳۷۰-۱۲۵۵) را دربر می‌گیرد به دو دوره قابل تقسیم است: دوره اول (گذشته‌نگر): از سرشماری ۱۳۳۵ تا زمانهای تولد سالخوردگان و پیران جمعیت در این سرشماری، دوره دوم (معاصر): از سرشماری ۱۳۳۵ به بعد که درحقیقت دوره سرشماریها و آمارگیری‌های جمعیتی منظم ایران است.

### دوره اول. قبل از سرشماری ۱۳۳۵

جمعیت گزارش شده اولین سرشماری کشور در سال ۱۳۳۵ هجری شمسی، به تفکیک گروههای سنی، درحقیقت تعداد بازماندگان موالید قبل از این سرشماری است که با تقسیم کردن جمعیت واقع در گروههای سنی پنج‌ساله به احتمال بقای (px) نسل پنج‌ساله مربوطه تعداد کل موالید پنج‌ساله منشاء این جمعیتها به دست می‌آید. برای ارقام سال ۱۳۳۵ مرجع اصلی این احتمالات بقا می‌تواند همان جداول بقای سازمان ملل باشد که در ۲۴ سطح امید زندگی و به تفکیک گروههای سنی پنج‌ساله در سال ۱۹۵۷ تدوین گردیده است. لازم به تذکر است که به تعداد گروههای سنی پنج‌ساله، باید شبکه‌های کلی احتمال بقا تشکیل دهیم که با ضرب کردن pxهای داخل نسل قابل محاسبه است. به عنوان مثال، با تقسیم جمعیت واقع در گروه ۵۰ تا ۵۴ ساله سرشماری ۱۳۳۵ به شبکه کل احتمال بقا (مرکب از احتمال بقا از pb تا px ۴۵-۴۹) تعداد تقریبی موالید بین ۵۰ تا ۵۵ سال قبل از ۱۳۳۵ (یعنی موالید سالهای ۱۲۸۰ تا

(۱۲۸۵) به دست می آید.<sup>(۱)</sup>

در مورد سطوح امید زندگی بکار رفته از حداکثر ۴۲/۵ سال برای سالهای ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۵ تا حداقل امید زندگی ۳۰ سال برای حدود سال ۱۳۰۰ استفاده شده است. هرچند که این سطوح جنبه اعتباری دارد و قاطعیت و حتمیت مطلق بر آنها مترتب نیست، لیکن به عنوان فرضیه نزدیک به یقین مورد کاربرد قرار گرفته است. در این راستا، در دو مقاله تحقیقی منتشره در نامه علوم اجتماعی دانشگاه تهران (شماره یک - پائیز ۱۳۶۷ - دانشکده علوم اجتماعی) تحت عناوین:

- ملاحظاتی درباره تعداد و رشد جمعیت ایران در صد سال اخیر. نوشته علی اصغر مهاجرانی.

- سطح مرگ و میر و توسعه. نوشته محمد میرزایی.

میزانهای عرضه شده موالید - مرگ و رشد جمعیت تفاوت بارزی را نسبت به مقاله حاضر نشان

نمی دهد. جدول ذیل تعداد تقریبی موالید را براساس روش فوق عرضه می دارد:

| گروه سنی پنج ساله<br>مبدأ در سال ۱۳۳۵ | دوره پنج ساله<br>تولد | تعداد موالید پنج ساله<br>(× ۱۰۰۰) | متوسط موالید سالانه<br>(× ۱۰۰۰) |
|---------------------------------------|-----------------------|-----------------------------------|---------------------------------|
| ۷۵-۷۹                                 | ۱۲۵۵-۱۲۶۰             | ۱۸۹۴                              | ۳۷۹                             |
| ۷۰-۷۴                                 | ۱۲۶۰-۱۲۶۵             | ۱۹۳۲                              | ۳۸۶                             |
| ۶۵-۶۹                                 | ۱۲۶۵-۱۲۷۰             | ۱۹۷۲                              | ۳۹۴                             |
| ۶۰-۶۴                                 | ۱۲۷۰-۱۲۷۵             | ۲۰۱۰                              | ۴۰۲                             |
| ۵۵-۵۹                                 | ۱۲۷۵-۱۲۸۰             | ۲۰۵۰                              | ۴۱۰                             |
| ۵۰-۵۴                                 | ۱۲۸۰-۱۲۸۵             | ۲۰۹۱                              | ۴۱۸                             |
| ۴۵-۴۹                                 | ۱۲۸۵-۱۲۹۰             | ۲۱۳۳                              | ۴۲۷                             |
| ۴۰-۴۴                                 | ۱۲۹۰-۱۲۹۵             | ۲۱۸۶                              | ۴۳۷                             |
| ۳۵-۳۹                                 | ۱۲۹۵-۱۳۰۰             | ۲۲۶۲                              | ۴۵۲                             |
| ۳۰-۳۴                                 | ۱۳۰۰-۱۳۰۵             | ۲۳۹۴                              | ۴۷۹                             |
| ۲۵-۲۹                                 | ۱۳۰۵-۱۳۱۰             | ۲۵۰۷                              | ۵۰۱                             |
| ۲۰-۲۴                                 | ۱۳۱۰-۱۳۱۵             | ۲۶۱۰                              | ۵۲۲                             |
| ۱۵-۱۹                                 | ۱۳۱۵-۱۳۲۰             | ۲۷۳۰                              | ۵۴۶                             |
| ۱۰-۱۴                                 | ۱۳۲۰-۱۳۲۵             | ۳۰۴۴                              | ۶۰۹                             |
| ۵-۹                                   | ۱۳۲۵-۱۳۳۰             | ۳۷۱۴                              | ۷۴۳                             |
| ۰-۴                                   | ۱۳۳۰-۱۳۳۵             | ۴۴۵۲                              | ۸۹۰                             |

۱. این محاسبات را نگارنده در سال ۱۳۴۵ در دانشگاه تهران به اتفاق ژان کلود شاستیلان (که بعدها به ریاست قسمت امور جمعیت در سازمان ملل منصوب شد) انجام داده است.

باتوجه به این ارقام تقریبی موالید از دوره پنجساله ۶۰-۱۲۵۵ هجری شمسی به بعد و برآورد جمعیت سالهای همزمان منتج از تحقیقات حبیباله زنجانی (کتاب جمعیت و شهرنشینی - جلد اول جمعیت - تهران ۱۳۷۰) تخمینی از میزانهای موالید این هشتاد ساله قبل از اولین سرشماری کشور (۱۳۳۵) امکان می‌یابد. حصول به این میزانها در حقیقت نمره پژوهش اشخاص مختلف و استنتاج از منابع مختلف است. لیکن نتیجه بلافصل و ثانوی وصول به این میزانهای موالید دستیابی به میزانهای مرگ و میر ناشی از آنهاست. با توجه به اینکه با کسر کردن میزان افزایش طبیعی جمعیت از میزان موالید در حقیقت میزان مرگ و میر به دست می‌آید. در جدول ذیل، میزانهای تخمینی موالید و مرگ این دوره هشتادساله براساس مبانی و اطلاعات ارائه شده فوق ملاحظه می‌گردد:

| سال<br>هجری شمسی | سال<br>میلادی | میزان افزایش<br>طبیعی (درهزار) | میزان موالید<br>(درهزار) | میزان مرگ<br>(درهزار) |
|------------------|---------------|--------------------------------|--------------------------|-----------------------|
| ۱۲۵۵-۱۲۶۰        | ۱۸۷۶-۱۸۸۱     | حدود ۴                         | ۴۰/۱                     | ۳۶/۱                  |
| ۱۲۶۰-۱۲۶۵        | ۱۸۸۱-۱۸۸۶     | حدود ۴                         | ۴۰/۰                     | ۳۶/۰                  |
| ۱۲۶۵-۱۲۷۰        | ۱۸۸۶-۱۸۹۱     | حدود ۴                         | ۴۰/۰                     | ۳۶/۰                  |
| ۱۲۷۰-۱۲۷۵        | ۱۸۹۱-۱۸۹۶     | حدود ۴                         | ۴۰/۱                     | ۳۶/۱                  |
| ۱۲۷۵-۱۲۸۰        | ۱۸۹۶-۱۹۰۱     | حدود ۴                         | ۴۰/۰                     | ۳۶/۰                  |
| ۱۲۸۰-۱۲۸۵        | ۱۹۰۱-۱۹۰۶     | ۴/۲۷                           | ۴۰/۰                     | ۳۵/۷                  |
| ۱۲۸۵-۱۲۹۰        | ۱۹۰۶-۱۹۱۱     | ۵/۷۴                           | ۳۹/۹                     | ۳۴/۲                  |
| ۱۲۹۰-۱۲۹۵        | ۱۹۱۱-۱۹۱۶     | ۶/۶۶                           | ۳۹/۷                     | ۳۳/۰                  |
| ۱۲۹۵-۱۳۰۰        | ۱۹۱۶-۱۹۲۱     | ۶/۶۶                           | ۳۹/۶                     | ۳۲/۹                  |
| ۱۳۰۰-۱۳۰۵        | ۱۹۲۱-۱۹۲۶     | ۷/۷۲                           | ۴۰/۵                     | ۳۲/۸                  |
| ۱۳۰۵-۱۳۱۰        | ۱۹۲۶-۱۹۳۱     | ۸/۹۵                           | ۴۰/۶                     | ۳۱/۷                  |
| ۱۳۱۰-۱۳۱۵        | ۱۹۳۱-۱۹۳۶     | ۱۲/۰۳                          | ۴۰/۲                     | ۲۸/۲                  |
| ۱۳۱۵-۱۳۲۰        | ۱۹۳۶-۱۹۴۱     | ۱۳/۹۵                          | ۳۹/۴                     | ۲۵/۵                  |
| ۱۳۲۰-۱۳۲۵        | ۱۹۴۱-۱۹۴۶     | ۱۶/۱۸                          | ۴۰/۷                     | ۲۴/۵                  |
| ۱۳۲۵-۱۳۳۰        | ۱۹۴۶-۱۹۵۱     | ۱۸/۷۶                          | ۴۵/۶                     | ۲۶/۸                  |
| ۱۳۳۰-۱۳۳۵        | ۱۹۵۱-۱۹۵۶     | ۲۵/۲۲                          | ۴۸/۹                     | ۲۳/۷                  |

میزانهای موالید و مرگ برخی کشورهای قابل مقایسه با کشور ما نیز (تقریباً همزمان با تاریخهای فوق) از محدوده این میزانها در ایران به دور نبوده است.

| میزان موالید  |            | میزان مرگ و میر |            |
|---------------|------------|-----------------|------------|
| مصر ۱۳۱۷      | ۴۴ در هزار | هند ۲۰-۱۳۱۰     | ۳۱ در هزار |
| فلسطین ۱۳۱۸   | ۴۷ در هزار | هند ۳۰-۱۳۲۰     | ۲۷ در هزار |
| هند ۲۰-۱۳۱۰   | ۴۵ در هزار | مصر ۱۵-۱۳۱۰     | ۲۷ در هزار |
| هند ۴۰-۱۳۳۰   | ۴۲ در هزار | مصر ۳۵-۱۳۳۰     | ۱۹ در هزار |
| ترکیه ۳۵-۱۳۳۰ | ۴۵ در هزار | ترکیه ۳۵-۱۳۳۰   | ۱۸ در هزار |
|               |            | ترکیه ۴۰-۱۳۳۵   | ۱۶ در هزار |

### دوره دوم. سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۰

برای پژوهش در این دوره ۳۵ ساله که سیستم و مجموعه اطلاعات در مقیاس کل کشور را در اختیار داریم: اولاً. تعداد موالید براساس آمار سازمان ثبت احوال که ثبت آنها در طول زمان به کاملیت و پوشش رضایت بخشی نزدیک شده و برخلاف ثبت واقعه مرگ (که کاستی بسیار دارد) آنرا قابل کاربرد می سازد. قابل ذکر است که نگارنده این سطور در مرداد ماه ۱۳۴۹ برای اولین بار میزان پوشش موالید کشور را در دانشگاه تهران براساس گزارشات ثبت احوال و نتایج سرشماری محاسبه نمود و به سطح نزدیک به ۹۰ درصد پوشش رسید (موالید و باروری در ایران، مؤسسه اطلاعات و تحقیقات اجتماعی، دانشگاه تهران، آنالیز سرشماری ۱۳۴۵، سال ۱۳۴۹).

ثانیاً. نتایج سرشماریهای کشور از دیدگاه ساختمان سنی و بخصوص دو گروه سنی بزرگ صفر تا ۱۰ ساله و سپس ۱۰ ساله و بیشتر با توجه به اینکه فاصله زمانی سرشماریهای ایران ده سال است (به استثنای سرشماری ۱۳۶۵ و آمارگیری جمعیتی ۱۳۷۰ که نظر به فاصله زمانی پنج سال دو گروه سنی زیر ۵ سال و سپس ۵ سال و بیشتر مورد توجه می باشد).

در این زمینه شمار کل جمعیت در سرشماری ۱۳۳۵ مساوی ۱۸۹۵۴۷۰۴ و در سرشماریهای

۱۳۴۵ و ۱۳۵۵ به ترتیب زیر است:

| سال سرشماری | جمعیت صفر تا ۹ ساله | جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر | کل جمعیت   |
|-------------|---------------------|-----------------------|------------|
| ۱۳۴۵        | ۸,۷۸۸,۹۰۵           | ۱۶,۹۹۹,۸۱۷            | ۲۵,۷۸۸,۷۲۲ |
| ۱۳۵۵        | ۱۰,۷۰۶,۲۴۵          | ۲۳,۰۰۲,۴۹۹            | ۳۳,۷۰۸,۷۴۴ |

با قبول این واقعیت که در سالهای قبل از انقلاب اسلامی عامل مهاجرت اعم از خارجی یا داخلی ناچیز بوده (تعداد خارجیان در ایران در سرشماریهای ۱۳۳۵، ۱۳۴۵ و ۱۳۵۵ به ترتیب ۰/۲، ۰/۲ و ۰/۵ درصد کل جمعیت گزارش شده است) می‌توان ارتباط ارگانیک و هم بسته بین داده‌های موالید سازمان ثبت احوال و نتایج سرشماری را برای تخمینی از میزان و تعداد مرگ در کشور مبنای کار قرار داد. با توجه به فاصله دهساله زمانی بین سرشماریها، تعداد جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر در سرشماریهای ۱۳۴۵ و ۱۳۵۵ درحقیقت به ترتیب بازماندگان کل جمعیت سالهای ۱۳۳۵ و ۱۳۴۵ می‌باشند و نیز جمعیت صفر تا ۹ ساله سرشماریهای ۱۳۴۵ و ۱۳۵۵ به ترتیب بازماندگان موالید دهساله‌های ۱۳۳۵-۴۵ و ۱۳۴۵-۵۵ هستند. بنابر این تفاوت بین این شبکه بازماندگان و تعداد مبدأ آنان درحقیقت شمار مرگ و میرهای مربوطه طی دو دوره دهساله مورد مطالعه است. بر این اساس محاسبه تعداد کل مرگ و میرهای واقع در مدت ده ساله ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۵ به نحو زیر قابل بیان است:

$$(\sum_{i=0}^9 P_{1335} - \sum_{i=0}^9 P_{1345}) + (\sum_{i=0}^9 B - \sum_{i=0}^9 P_{1345}) = \sum_{i=0}^9 D$$

$\underbrace{\hspace{10em}}_{D_1}$ 
 $\underbrace{\hspace{10em}}_{d_2}$

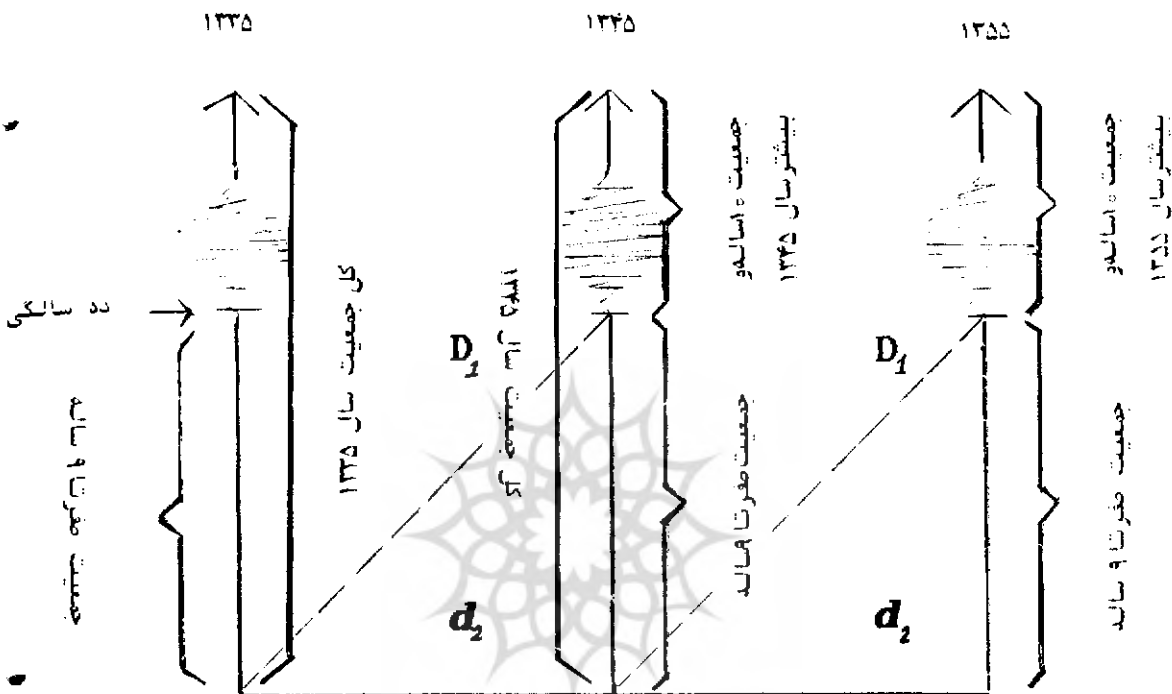
و نیز برای ده ساله ۱۳۳۵-۴۵ مشابهاً رابطه زیر را می‌توان برقرار کرد:

$$(\sum_{i=0}^9 P_{1345} - \sum_{i=0}^9 P_{1355}) + (\sum_{i=0}^9 B - \sum_{i=0}^9 P_{1355}) = \sum_{i=0}^9 D$$

$\underbrace{\hspace{10em}}_{D_1}$ 
 $\underbrace{\hspace{10em}}_{d_2}$

چگونگی محاسبه شمار مرگ و میرهای دو دهساله مزبور در شما و نمودار ذیل (براساس گرافیک Lexis)

قابل مشاهده است:



موالید ۴۵ تا ۳۵

موالید ۴۵ تا ۵۵

از طریق این نمودار هندسی - دموگرافیک و استفاده از فرمول پیش گفته محاسبه بازماندگان و مرگ و

میرا، به تعداد کل مرگ و میر طی دهساله ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۵ مساوی  $\sum_{35}^{45} D = 4,066,479$  می‌رسیم که با

تقسیم آن به دهسال رقم متوسط مرگهای این دهساله در می‌یابیم:  $\bar{D} = 406,648$ . با تقسیم این رقم به

جمعیت میان دوره میزان مرگ برای دوره دهساله ۴۵-۱۳۳۵ مساوی  $17/8$  در هزار به دست می‌آید. با

انخاذ همین روش برای دوره‌های دهساله ۵۵-۱۳۴۵ و ۶۵-۱۳۵۵ و نیز دوره پنجساله ۷۰-۱۳۶۵ (با

توجه به فاصله زمانی ۵ ساله و تقسیم‌بندی سنی مربوطه) میزانهای مرگ زیر حاصل می‌گردد:

| دوره    | رقم متوسط سالانه مرگ | میزان مرگ (در هزار) |
|---------|----------------------|---------------------|
| ۱۳۳۵-۴۵ | ۴۰۶,۶۴۸              | ۱۷/۸                |
| ۱۳۴۵-۵۵ | ۴۱۱,۶۶۵              | ۱۳/۵                |
| ۱۳۵۵-۶۵ | ۶۰۸,۷۵۴              | ۱۴/۵                |
| ۱۳۶۵-۷۰ | ۵۳۸,۰۹۲              | ۱۰/۲                |

در دوره‌های ۱۳۵۵-۶۵ و ۱۳۶۵-۷۰ تأثیر عوامل مهاجرتهای داخلی و خارجی و نیز تلفات جنگ از درجه دقت میزانهای محاسبه شده می‌کاهد مع‌ذک افزایش تعداد و میزان مرگ طی دوره ۱۳۵۵-۶۵ نسبت به دوره قبل می‌تواند نمایانگر تأثیر تلفات ناشی از جنگ باشد.

بایستی متذکر شد که فقط براساس میزان عمومی مرگ نمی‌توان لزوماً و قطعاً به‌بهبود یا تنزل شرایط بهداشتی و تأثیر آن روی میزان مرگ حکم کرد. چرا که میزان عمومی مرگ و میر بیشتر تحت تأثیر ساختمان سنی و گاهی بروز یک وضع استثنایی برای گروههای سنی و جنسی و یا اجتماعی-شغلی خاص در جمعیت است و برای قضاوت واقع‌گرایانه می‌باید میزانهای مرگ به تفکیک سن و جنس را بدانیم. بخصوص میزان مرگ و میر اطفال و کودکان (یعنی میزانهای کمتر از یک‌ساله و یک تا پنج‌ساله‌ها) که دارای حساسیت و دامنه تغییرات بسیار وسیع و معنادار است. به‌عنوان مثال و به‌منظور نمایش این دامنه تغییرات میزانهای عمومی مرگ و میر، میزان مرگ و میر اطفال برای دوره ۹۰ - ۱۹۸۵ در سه مجموعه بزرگ اقتصادی - اجتماعی جهان نقل می‌شود:

| مجموعه‌ها   | میزان عمومی مرگ | میزان مرگ و میر اطفال |
|---|-----------------|-----------------------|
| کل کشورهای جهان   | ۱۰ در هزار      | ۶۸ در هزار            |
| کشورهای پیشرفته   | ۹ در هزار       | ۱۵ در هزار            |
| کشورهای کمتر پیشرفته                                    | ۱۰ در هزار      | ۷۶ در هزار            |
| کشورهای فاقد پیشرفت                                     | ۱۷ در هزار      | ۱۲۰ در هزار           |
| نسبت میزان کشورهای فاقد پیشرفت به میزان کشورهای پیشرفته | ۱/۹ برابر       | ۸ برابر               |

در مورد میزان مرگ و میر کشور، چند شاخص مقایسه‌ای مستقل از داده‌های سازمان ثبت احوال و از نتایج سرشماریها - حاصل از سه بررسی دموگرافیک همزمان با دوره دهساله ۵۵-۱۳۴۵ به شرح زیر نقل می‌گردد:

| میزان مرگ گزارش شده | منبع  |
|---------------------|---|
| ۱۲ در هزار          | ۱. بررسی آمارهای حیاتی کشور (مرکز آمار ایران)<br>(برای سالهای ۵۳-۱۳۵۲)    |
| ۱۱/۵ در هزار        | ۲. بررسی اندازه‌گیری رشد جمعیت (مرکز آمار ایران)<br>(برای سالهای ۵۵-۱۳۵۳) |
| ۱۲/۷ در هزار        | ۳. بررسی دانشکده بهداشت دانشگاه تهران (سالهای ۵۳-۱۳۵۲)                    |

بدین نحو چنین بر می‌آید که برای دوره دهساله ۵۵-۱۳۴۵ میزان متوسط مرگ میان‌دوره (سال ۱۳۵۰) محاسبه شده در نوشتار حاضر (۱۳/۵ در هزار) نزدیک به سه میزان ناشی از بررسی‌های سه‌گانه فوق (انجام یافته در سالهای پایانی دهساله ۵۵-۱۳۴۵) است و طبیعاً اندکی از آنها بیشتر می‌تواند باشد.

و اما درخصوص میزان پوشش آمار ثبت احوال کشور در زمینه شمار مرگ و میر برای دهساله ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۵، سازمان مزبور رقمی در سطح ۱۶۱۹۰۰۰ را اریه می‌نماید، درحالی‌که نگارنده این سطور برای دوره دهساله فوق به رقم ۴۰۶۶۴۷۹ (تقریباً ۴۰۷۰۰۰ سالانه) رسیده است که بر این اساس درجه پوشش برای این واقعه در حد ۴۰ درصد به دست می‌آید. برای دهساله ۵۵-۱۳۴۵ سازمان ثبت احوال رقم ۱۶۲۷۰۰۰ واقعه مرگ را گزارش می‌کند، درحالی‌که محاسبات اینجانب (براساس روش Lexis) به عدد ۴۱۱۶۶۴۷ منتج می‌گردد (تقریباً ۴۱۲۰۰۰ سالانه) که مجدداً میزان پوشش آمار سازمان ثبت احوال در همان حد ۴۰ درصد ارزیابی می‌گردد. لازم به اشاره است که در بررسی اندازه‌گیری رشد جمعیت کشور (مرکز آمار ایران) تعداد سالانه ۴۲۸۸۵۱ واقعه مرگ نتیجه شده که از متوسط تقریبی محاسبه شده نگارنده (۴۱۲۰۰۰) فاصله‌ای نداشته و فقط ۴ درصد با آن اختلاف دارد. تعداد مرگ و میر براساس گزارشهای سازمان ثبت احوال بعد از سال ۱۳۵۵ نیز (چه قبل





| دوره      | میزان موالید<br>M | میزان افزایش<br>طبیعی<br>Z | میزان مرگ<br>M-Z=m | میزان مرگ با<br>روش لکزیس |
|-----------|-------------------|----------------------------|--------------------|---------------------------|
| ۱۳۳۵-۴۵   | ۴۸/۶              | ۳۱/۶                       | ۱۷/۰               | ۱۷/۸                      |
| ۱۳۴۵-۵۵   | ۴۰/۱              | ۲۷/۱                       | ۱۳/۰               | ۱۳/۵                      |
| * ۱۳۵۵-۶۵ | ۵۰/۲              | ۳۶/۰                       | ۱۴/۲               | ۱۴/۵                      |
| ۱۳۶۵-۷۰   | ۳۴/۴              | ۲۴/۵                       | ۹/۹                | ۱۰/۲                      |

\* در این دوره نظر به بالا رفتن خارق‌العاده موالید - حتی بیش از افزایش مرگ و میرهای ناشی از جنگ - افزایش طبیعی ۳۶ در هزار در سال بعید به نظر نمی‌رسد. مع هذا نظر به اختلال و نیز تعدد عوامل غیرعادی جمعیتی در این دوره ارجح آنست که میزانهای مربوطه با قید احتیاط ملاحظه گردد.

### گسستگی و بازگشت مرحله انتقال جمعیتی ایران

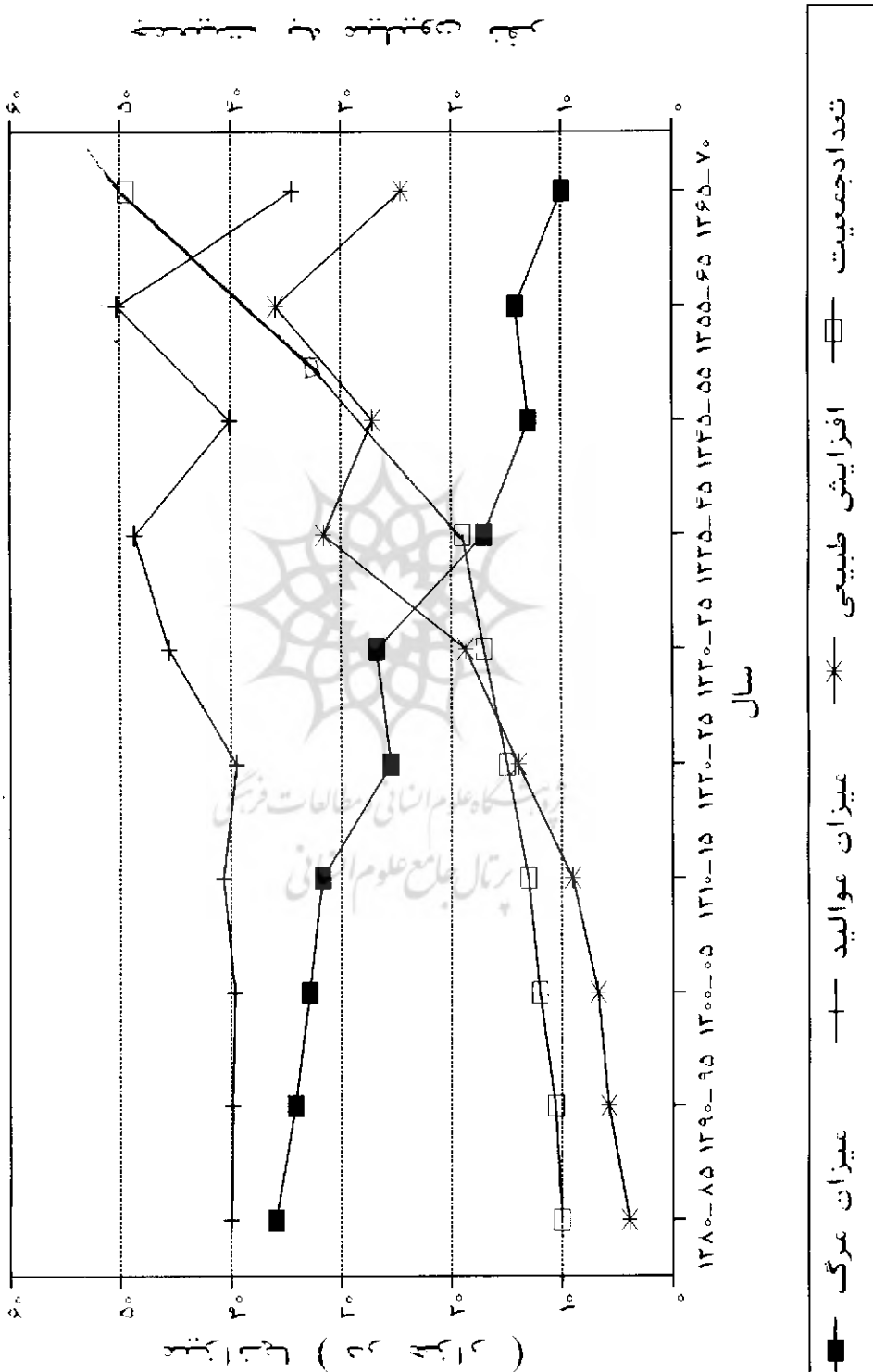
با توجه به آنچه که در این نوشتار آمده است، می‌توان گفت که در ایران میزان مرگ از سالهای ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ (همراه با ثبات نسبی موالید در سطح و در اطراف ۴۰ در هزار) به‌طور محسوس آغاز به تنزل کرده است و سپس این سیر نزولی در سالهای بعد نیز ادامه یافته و حتی جنگ هشت‌ساله ایران و عراق به‌نحو چشمگیری این سیر کاهش را مختل نکرده است. به‌طور کلی از نظرگاه تاریخی چنین قابل بیان است که میزان مرگ با حدود ۳۳ تا ۳۶ در هزار قبل از سنه ۱۳۰۰ به تدریج به سطح ۱۰ در هزار طی پنج‌ساله ۱۳۶۵-۷۰ کاهش یافته است. همراه با این تحول و تنزل دایمی آهنگ مرگ و میر، روند موالید سرنوشت کاملاً متفاوتی داشته که آنرا در پنج مرحله می‌توانیم خلاصه نماییم:

۱. ثبات تا سال ۱۳۲۵ در حدود ۴۰ در هزار.
۲. افزایش از سال ۱۳۲۵ تا ۱۳۴۵ تا حدود ۴۵ و ۴۸ در هزار.
۳. تنزل در دوره ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵ تحت تأثیر برنامه تنظیم خانواده و اُفت به سطح ۴۰ در هزار.
۴. افزایش شدید در دوره ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ به‌علت سیاست تشویق موالید و رها شدن برنامه تنظیم خانواده و رسیدن به سطح ۵۰ در هزار.
۵. تنزل چشمگیر و معنی‌دار تحت تأثیر ازسرگیری کامل و حتی شدیدتر برنامه تنظیم خانواده و اتخاذ سیاست معقول کنترل جمعیت از طرف دولت همراه با خودآگاهی اجتماعی و همگامی خانواده‌ها و در نتیجه اُفت به سطح ۳۴ در هزار.

نمودار زیر روند کلی میزانهای موالید، مرگ، افزایش طبیعی و سیر صعودی جمعیت ایران را طی

نزدیک به یک قرن نشان می‌دهد:

میزانهای موالید ، مرگ ، افزایش طبیعی و سیر صعودی جمعیت ایران - ۱۳۷۰ - ۱۳۸۰



بدین ترتیب چنین برمی آید که اولین نشانه‌های انتقال و تحول جمعیتی (Transition Demographique) در ایران طی سالهای ۱۳۱۰ تا ۱۳۲۰ ظاهر شده است. نکته جالب اینست که از سالهای ۳۰-۱۳۲۵ همراه با کاهش آهنگ مرگ و میر افزایش محسوسی در میزان موالید صورت یافته است. چنین به نظر می‌رسد که انعکاس حسابی و منطقی این تنزل مرگ و میر به صورت تطویل امید زندگی افراد و افزایش طول سالهای مشترک زناشویی زوجین (که نتیجه آن باروری و موالید بیشتر است) یکی از علل این افزایش میزان موالید باشد.

معمولاً بین این جریان منجر به افزایش باروری و کنترل اجتماعی - رفتاری آن، مقداری زمان لازم می‌آید که طبعاً از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت است ولی به‌رحال پس از اُفت میزان مرگ، دیر یا زود یک نوع رفتار کنترل و خودآگاهی اجتماعی در زمینه باروری و موالید ایجاد می‌گردد تا آنجا که در جامعه مربوطه یک هماهنگی در زمینه این دو عامل مهم (موالید و مرگ) به تدریج حاصل شود و سرعت افزایش جمعیت در حد مطلوب و بهینه ترکیب یابد.

در کشور ما اتخاذ معوق سیاست تنظیم خانواده از سال ۱۳۴۶ (که خیلی زودتر از اینها بایستی شروع می‌شد) و اجرای آن طی برنامه‌های توسعه چهارم (۵۱-۱۳۴۷) و پنجم (۵۶-۱۳۵۲) به‌رحال سیر صعودی موالید و افزایش جمعیت را تا قبل از انقلاب اسلامی متوقف ساخته و آنرا به سیر نزولی نیز سوق داد، به طوری که میزانهای موالید و افزایش جمعیت در طی دوره ۵۵-۱۳۴۵ به ترتیب به ۴۰/۱ در هزار و ۲۷/۱ در هزار پایین آورده شدند. به احتمال قوی چنانچه این سیر نزولی با سیاست آزادی و تشویق موالید در سالهای اولیه بعد از انقلاب اسلامی (صعود به میزان موالید در حد ۵۰ در هزار در سال) متوقف نمی‌شد در حال حاضر با توجه به اتخاذ مجدد و عقلایی سیاست تنظیم خانواده به وسیله مقامات مسؤول دولت، میزان موالید می‌توانست به ۲۰ تا ۲۵ درصد در هزار تنزل یابد که در این صورت با احتساب میزان مرگ حدود ۱۰ در هزار، رشد جمعیت کشور رقمی بین ۱۰ تا ۱۵ در هزار در سال می‌بود.

به‌رحال در حال حاضر شاخصها و میزانهای جمعیتی حکایت از این دارند که سیر انتقال جمعیتی ایران که چند سالی دچار گسستگی و اختلال شده بود، دوباره مسیر عادی خود را بازیافته است. لیکن در چه اُفق زمانی در آینده به میزان حداقل مرگ و میر و حداقل آهنگ موالید لازم برای حصول به‌رشد مطلوب جمعیت دست خواهیم یافت؟؟ مسأله در اینجاست و آنچه مسلم است آنست که نتایج سرشماریها و آمارگیرهای آینده پاسخ به این مسأله را زودتر و روشن‌تر و به‌نحو واقع‌گرا امکان خواهد بخشید.

## فهرست منابع:

۱. امانی، مهدی، جمعیت ایران در سال.....، مقاله منتشره در مجله علمی انستیتوی ملی مطالعات دموگرافیک *Population* پاریس شماره‌های ۴ و ۵، ۱۹۹۴.
۲. شاستلان، امانی و پوایش، جمعیت ایران و تحول آن از ۱۹۵۶ تا ۱۹۸۶ تا ۱۳۳۵ تا ۱۳۶۵)، کتاب منتشره (به زبان فرانسه)، به وسیله مؤسسه تحقیقات اجتماعی (بخش جمعیت)، دانشگاه تهران، ۱۳۴۵.
۳. زنجان، حبیب...، جمعیت و شهرنشینی در ایران (جلد اول جمعیت) مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، وزارت مسکن و شهرسازی- تهران، ۱۳۷۰.
۴. سازمان ثبت احوال کشور، فصلنامه علمی و پژوهشی جمعیت، شماره ۲، پاییز ۱۳۷۱، تهران.
۵. سازمان ملل، نشریه دستورالعمل پیش‌بینی جمعیت بر حسب سن و جنس، ۱۹۵۷، نیویورک.
۶. سازمان ملل، *World Population Prospects*، مطالعه جمعیتی شماره ۱۲۰، ۱۹۹۱، نیویورک.
۷. فراهانی، اسماعیل و کاظمی پور، شهلا، مرگ و میر در تهران بزرگ در سال ۱۳۵۵، مؤسسه تحقیقات اجتماعی (بخش جمعیت) دانشگاه تهران، ۱۳۵۶، تهران.
۸. مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور، ۱۳۷۳، تهران.
۹. مهاجرانی، علی اصغر، تعداد و رشد جمعیت ایران طی یکصد سال اخیر، مجله علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، شماره ۱، پاییز ۱۳۶۷.
۱۰. میرزایی، محمد، سطح مرگ و میر و توسعه، مجله علوم اجتماعی شماره ۱، پاییز ۱۳۶۷، دانشگاه تهران.